

پیامدهای اجتماعی و حقوقی مطالبه‌گری در ناآرامی‌های خیابانی؛ بررسی نقش اشخاص ثالث

فاطمه بختیاری^۱، عادل ساریخانی^{۲*}

چکیده

اعتراضات و جنبش‌های خیابانی در چند سال اخیر در ایران به‌طور گسترده رخ داده و با دلایل و پیامدهای مختلف اجتماعی و حقوقی برای ثالث همراه بوده است؛ که نمایاندن ابعاد مثبت و منفی این پیامدها ضرورت و اهمیت نوشتار حاضر را نشان می‌دهد. هدف مقاله پیش رو ارزیابی صحیح جوانب مختلف مطالبه‌گری و ارائه راهبردها و راهکارهایی در جهت پیشگیری و جلوگیری از بازرخداد این حوادث اجتماعی و بیان پیامدهای آن نسبت به ثالث است. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و تدقیق در منابع، نشان می‌دهد که یکی از دلایل مهم رخداد تنش‌های خیابانی، رویگردانی از نهاد پلیس محله و روی آوردن به سیستم پلیس تهاجمی، بدون شناسایی صحیح سازوکار پیشگیری از جنبش‌هاست؛ که همین امر سبب انتخاب راهبرد درگیری با معترضان می‌شود. نتایج بیانگر آن است که پیامد منفی مطالبه‌گری در سطح فردی، سبب ایجاد اتمسفر سنگین پس از ناآرامی‌ها شده که افراد ثالث را با هر اظهارنظری در این خصوص به دادرسی فرامی‌خواند؛ در نتیجه، این موضوع موجب خدشه‌دار شدن امنیت روانی آحاد جامعه است. درخصوص خسارات وارده بر اشخاص ثالث در صورت شناسایی مرتکبان جبران خسارت به‌وسیله خود آنان و در صورت عدم شناسایی با بیت‌المال خواهد بود. همچنین با توجه به وجود واقعیتهای به نام پس‌حافظه، ذهن نسل بعد نسبت به این رویدادها، توسط نسل‌های پیشین تحت تأثیر قرار خواهد گرفت؛ در راستای پیشگیری از بازرخداد ناآرامی‌های شهری، می‌توان با طرح‌ریزی برنامه‌های گروهی ورزشی و اجتماعی با

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه قم، قم، ایران

۲. استادتمام گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه قم، قم، ایران، نویسنده مسئول. رایانامه: Adelsari@yahoo.com

رویکردی جامعوی برای شهروندان موجبات تقویت شکیبایی در برابر چالش‌ها، گسترش فرهنگ مدارا را فراهم کرد. در این خصوص می‌توان در آینده با انجام پژوهش‌هایی در مورد چگونگی مدیریت ریسک اعتراضات و ناآرامی‌های اجتماعی درک و شناختی صحیح نسبت به شرایط وقوع آن‌ها کسب کرده، کنترل و مدیریت حوادث آینده را در دست گرفت.

کلیدواژه‌ها: مطالبه‌گری، ناآرامی خیابانی، شخص ثالث، پلیس محله، پساحافظه.

۱. مقدمه

جوامع شهری در حال تجربه اصطکاک‌های اجتماعی تشدیدشده‌ای هستند که با وقوع روزافزون مطالبه‌گری‌ها و ناآرامی‌ها تجلی یافته است. اعتراضات شهری اغلب به‌عنوان طغیان‌های زودگذر تلقی می‌شوند که واکنش‌هایی را توسط حاکمیت یا ساکنان می‌طلبد؛ که همین امر ضرورت پژوهش حاضر را نشان می‌دهد. درعین حال مطالبه‌گری در دو شکل مثبت و منفی (هنجارشکن) قابل تصور است.

باید گفت قوانین همواره در جایگاهی برتر نسبت به تمام نهادها و تأسیسات اجتماعی قرار دارند. در جامعه‌ای که رابطه میان شهروندان و حاکمیت، رابطه‌ای مبتنی بر عدالت، رضایت و اخلاق‌منشی باشد، قوانین مورد احترام خواهد بود. در این مورد که تأکید بر رضایت شده، رضایتی مد نظر است که شامل اکثریت مردم باشد نه تمام آن‌ها را. «جامعه بشری نیازمند یک ساختار و نظم اجتماعی است که در پرتو نهادهای موجود در آن ساختار اجتماعی، هم نحوه دسترسی افراد به این منابع تعریف شود و هم حقوق و وظایف افراد تعیین گردد؛ به تعبیر دیگر، نظام حقوق و وظایف و نحوه توزیع امکانات و فرصت‌ها و مواهب همگی توسط ساختار اساسی جامعه و نهادهای پیش‌بینی شده در آن، سامان می‌یابد» (رالز، ۱۳۸۴: ۸۶). باین حال به‌ناچار باید پذیرفت در نظر شهروندان قوانین و فرصت‌ها همواره عادلانه نیستند؛ که همین امر احتمال رخداد نافرمانی نسبت بدان‌ها را فراهم می‌سازد. البته باید اذعان داشت «همین که قوانین و تصمیم‌های حکومت رضایت بیشتر مردم را تأمین کند، مشروعیت دارد و حقی برای نافرمانی وجود ندارد» (ورعی، ۱۳۹۴: ۳۷).

آشوب‌ها «زمانی طغیان می‌کنند که شمار قابل توجهی از شهروندان متقاعد شوند که راه‌های معمول برای تغییر دیگر به جایی نمی‌رسند، و شکایت‌ها شنیده نمی‌شوند و به آن‌ها ترتیب اثر داده نمی‌شود» (آرنت، ۱۴۰۰: ۹۶)؛ که در این میان همیشه این احتمال وجود دارد که این اعتراضات و ناآرامی‌ها نسبت به سایر افراد در جامعه، آثار و تبعاتی داشته باشند بدون اینکه در این حوادث شرکت داشته باشند.

علل رویدادهای تسریع‌کننده ناآرامی‌ها و مطالبه‌گری‌های ساختارشکنانه در غرب طی تحقیقات صورت گرفته، نگرشی مادی‌گرا و به اصطلاح رؤیای آمریکایی است. «یکی از خواسته‌های کلیدی جنبش شهری در اروپا، بهبود یا احیای زیرساخت‌های اجتماعی در مناطق فقیرنشین است که در واکنش به عقب‌نشینی خدمات و نهادهای اجتماعی به‌ویژه در حاشیه شهری مشهود است» (تورن^۱ و همکاران، ۲۰۱۶: ۳۲). با وجود این، رخداد جنبش‌های شهری در ایران با رویکرد اسلامی و تمدنی کهن صرف حفظ فرصت و نیازمندی اقتصادی نبوده بلکه با دیدگاهی جامعه‌شناسی و امنیتی علاوه بر دلایل مادی، تخریب اندیشه‌های دینی و ملی در ایران از طریق قدرت رسانه‌ای و همچنین تلاش‌های جریان‌های ضدانقلاب باید دانست؛ که خود این موضوع امری فراتر از تفکر مادی صرف است.

متأسفانه با رخداد اعتراضات خارج از چارچوب استاندارد سال‌های اخیر که می‌توانست مسالمت‌آمیز باشد، مینیاتوری از جامعه در تنگنایی قابل رؤیت قرار دارند، که بسیاری از آنان مداخله‌ای در رویدادهای هنجارشکنانه نداشتند ولی درعین حال آثار وضعیت موجود دامن‌گیر آن‌ها شده است. با این حال می‌توان با «سیاست‌گذاری صحیح و تدوین دستورالعمل‌های صریح سیاستی، برقراری نظام منسجم ارزیابی سیاست‌گذاری، توسعه زیرساخت‌ها و ابزارهای فنی» (ندری و بخشایش، ۱۳۹۷: ۱۴۷) انتظارات، نیازها، منابع و ارزش‌ها را در یک میزان متعادلی حفظ کرد؛ در واقع فقدان اقدامات، تصمیم‌گیری‌ها و ارزیابی‌های برنامه‌ریزی‌شده در این خصوص سبب فشار حداکثر بر دوش ثالث با مسیر مشروع خواهد شد.

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و تدقیق در منابع و با بهره‌گیری از مطالعه کتابخانه‌ای، درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که پیامدهای مثبت و منفی مطالبه‌گری در دو حوزه فردی و اجتماعی نسبت به اشخاص ثالث چگونه است؟

به نظر می‌رسد مطالبه‌گری در هر دو حوزه فردی و اجتماعی دارای پیامدها و تبعاتی برای اشخاص ثالث است؛ که این پیامدها در بسیاری از جنبه‌های حقوقی و اجتماعی خصوصاً نسبت به اشخاص ثالث نمودهای واضحی داشته که نمایاندن ابعاد مثبت و منفی این پیامدها ضرورت و اهمیت نوشتار حاضر را نشان می‌دهد. در حوزه فردی مطابق ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، افراد درگیر در عملیات گروه‌های مخالف نظام مشمول مؤاخذه قانونی خواهند بود، مگر اینکه بدون اطلاع از اهداف گروه‌ها باشد که ثالث محسوب می‌شوند و مورد حمایت قانون هستند.

با برگزاری نشست‌های دوستانه میان مرتکبان، ثالث درگیر و نماینده جامعه مدنی می‌توان با نشان دادن ارزش‌های محترم اجتماع، خویشتن‌داری و اقناع درونی را در این افراد نهادینه کرد و در آینده از بروز چنین حوادثی پیشگیری کرد.

در مورد مطالعه حاضر، نوشتاری که نزدیک به این موضوع باشد وجود ندارد؛ ولی درعین حال برخی از مطالعات قابل ذکر است؛ ازجمله: پژوهش راسخی و همکاران (۱۴۰۱) با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی و امنیت‌شناختی ناآرامی‌های محیط آینده مبتنی بر بایسته‌های هشداردهی مطلوب» که همان‌طور که مشخص است، تنها به علل جامعه‌شناختی و امنیتی ناآرامی‌ها توجه داشته و اشاره‌ای بر اینکه پیامد این قبیل رویدادها در جامعه نسبت به اشخاص چگونه است، نکرده است. همچنین اکبری و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «رویکرد سیاست کیفری ایران در مواجهه با اعتراضات اجتماعی ایران» بر ابعاد سیاست کیفری اعتراضات اجتماعی تأکید داشته و بیان کرده‌اند که ازطریق قانون‌گذاری صحیح می‌توان با به رسمیت شناختن اعتراضات مسالمت‌آمیز و ممنوعیت اعتراضات خشونت‌آمیز و تدارک این امر در تقنین کیفری نقض قانون را در این زمینه جبران کرد؛ حال‌آنکه پژوهش در

دست تدوین نه از بعد سیاست کیفری بلکه از زاویه‌ای اجتماعی و حقوقی به درگیر شدن ثالث در این اعتراضات اشاره دارد.

پژوهش حاضر در جهت بررسی موضوع و پیشبرد آن، در چهار بخش کلی مفهوم‌شناسی، مطالعه دلایل مطالبه‌گری هنجارشکنانه، پیامدهای که مطالبه‌گری نسبت به سایر اشخاص دارد و در انتها به راهبردهای پیشگیرانه می‌پردازد.

۲. مفهوم‌شناسی

در ابتدا باید ذکر کرد برای ورود به هر موضوعی، چالش‌های ذهنی در مورد مفاهیم به‌کاررفته در هر متنی باید مرتفع شود تا بتوان به تبیین آن پرداخت؛ ازاین‌رو در راستای تشحیذ ذهن، در این مبحث به پویش مفهومی مطالبه‌گری پرداخته شده است.

۲-۱. مطالبه‌گری

مطالبه در لغت به معنای درخواست کردن، طلب کردن، بازخواست و مؤاخذه آمده است (انوری، ۱۳۸۷: ۷۰۹۹). مطالبه‌گری از مفاهیمی است که دارای بار معنایی هم محدود و هم گسترده است. که این مسئله با خط‌مشی و دستور کاری دقیق در چارچوب مشخص قوانین قرار نگرفته است. «امروزه جنبش‌های اجتماعی جزئی از زندگی عادی دموکراسی‌های معاصر هستند. اعتصاب‌ها، تظاهرات خیابانی، بست‌نشستن‌ها، ایجاد راه‌بندان‌ها و اشغال اماکن صورت‌های کنش جمعی کم‌وبیش تعارض‌آمیزی برای بیان مطالبات اجتماعی هستند که زندگی سیاسی را به چالش می‌کشند. نتایج بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهند که فراوانی کنش‌های اعتراض‌آمیز شهروندان رو به افزایش است؛ به تعبیری دیگر مقبولیت کنش اعتراض‌آمیز توسعه می‌یابد» (ایودورماگن و موشار، ۱۳۸۹: ۲۵۳). مشارکت شهروندان در زندگی اجتماعی و سیاسی خود از اصول مهم در جوامع دموکرات است؛ اما در این میان نحوه مشارکت یا مطالبه از اهمیت بسیاری برخوردار است. مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان در سال ۱۳۹۷ مطالبه‌گری را یادآوری، مداومت در طلب کردن، تکرار خواسته و طلبکار بودن در تحقق آرمان‌ها معنا کردند. در این تعریف مطالبه‌گری براساس تعالیم انقلاب

اسلامی یعنی کوششی پایدار و پیوسته برای جامه عمل پوشاندن و برآورده‌سازی تعلیمات انقلاب اسلامی در حوزه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... برای همه افراد جامعه است. داشتن یک حس درونی به اینکه آنچه مهم‌تر از سایر امور است، پیشرفت یک جامعه در کلیت آن است، که سبب می‌شود افراد مصالح و منافع را مطالبه کنند که مختص آنان به‌تنهایی نیست، بلکه به توده مردم تعلق دارد. در این راستا کلام ارزشمند مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۱ در دیدار با دانشجویان استان سیستان و بلوچستان قابل ذکر است که فرمودند: «آنچه برای شما جوانان مهم است، احساس مسئولیت آگاهانه است. احساس مسئولیت یعنی انسان همان‌طور که به فکر زندگی، معیشت، اشتغال و ازدواج مربوط به خود است، نسبت به اهدافی که از خود فراتر است هم احساس مسئولیت کند. اهدافی که به خود او محدود نمی‌شود، بلکه مربوط به مجموعه، ملت، تاریخ و بشریت است. هیچ انسان و هیچ جامعه‌ای بدون این احساس تعهد، به قله‌های رفیع سعادت نخواهد رسید» (سید جعفری، ۱۴۰۰: ۱۷).

این دو تبیین با رویکردی درون‌گفتمانی از مطالبه‌گری، مبتنی بر درخواست‌های سازش‌جویانه است. با این حال ممکن است این طلب کردن مراد، از حالت معمول خود خارج شده و شکل دیگری به خود بگیرد؛ و آن به‌کارگیری مطالبه‌گری در کالبد و قالبی ساختارشکنانه و هنجارشکن و البته گاهی ویرانگر است که در این خط‌سیر، با معنایی کیفری همراه خواهد بود. مطالبه‌گری در معنای عام، فقط به دست گرفتن قلم، و اندیشه را به کار انداختن نیست، گاه امکان رخداد آن از طریق حضور فیزیکی نیز هست؛ که همین امر از طرفی می‌تواند سودمند و هم مضر برای تمامیت سرزمین باشد. از اشکال مهم کنشگری انسان، مطالبه‌گر بودن وی است و آن هنگامی به وجود می‌آید که مطالبه‌گر تشخیص دهد باید چیزی را به دست آورد که بنابر موقعیتی که در آن قرار دارد، مناسب است. مطالبه‌گری در جستار حاضر را باید جریانی دانست، از طرف افراد جامعه، با نگرشی رسالت‌گونه در جهت مقابله با لغزش‌ها یا ایجاد وضعیتی مطلوب و بسامان است، همچنین مطالبه حقوق شناخته‌شده در قانون اساسی و پی‌جویی این خواست‌ها، که در معنای عام آن حتی رخ دادن آن در مسیری خلاف مدار قانون دور از ذهن نخواهد بود؛ همین نکته تمایز میان مطالبه‌گری

و نافرمانی را نشان می‌دهد، زیرا بن‌مایه حقیقی نافرمانی مدنی را این سخن گاندی به‌خوبی نشان می‌دهد: «مبارزه نافرمانی از قوانین عمومی باید صمیمانه، احترام‌آمیز و توأم با خویش‌داری باشد. هرگز نباید گستاخانه و خشونت‌آمیز باشد. باید بر اصول سنجیده و دانسته متکی باشد، نباید دستخوش هوس‌ها و شهوات باشد و مافوق همه، به‌هیچ‌وجه نباید بدخواهی و نفرت، انگیزه آن باشد» (گاندی، ۱۳۵۶: ۱۶۹)؛ درحالی‌که مطالبه‌گری می‌تواند همراه با خشونت شهری باشد.

۳. دلایل مطالبه‌گری

با وجود دلایل مختلفی که می‌توان برای مطالبه‌گری مطرح کرد، ولی در بخش دوم به دلایل جامعه‌شناسی و امنیتی اشاره می‌شود که می‌تواند به‌طور تقریبی سایر دلایل را در درون خود داشته باشد.

۳-۱. دلایل جامعه‌شناسی و امنیتی

هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند مدعی این امر باشد که مصون از هرگونه بحران، ناآرامی، مطالبه‌گری هنجارشکنانه و یا آشوب و بلوایی است؛ امروزه تحولات اجتماعی جوامع با بستری از شدت، گستره، مدت و ابعاد خاصی روبه‌رو شده است. مطالبه‌گری ساختارشکنانه با هر انگیزه و نیتی که باشد قابل توجیه نبوده و نیست؛ باین‌حال طی تحقیقاتی که در سال ۲۰۱۱ در انگلستان انجام شد، «شرکت‌کنندگان در اعتراضات انگیزه‌های متفاوتی برای پیوستن به ناآرامی‌ها ارائه کردند، اما یکی از الگوهای کلیدی که پدیدار شد، احساس کمبود فرصت‌ها و نابرابری^۱ بود که آن‌ها را از حرکت رو به جلو در زندگی بازمی‌داشت؛ و همچنین ناامیدی از وضعیت موجود و در جستجوی عدالت بودن را به‌عنوان انگیزه خود یاد کردند» (بنچیک،^۲ ۲۰۱۸: ۲-۳). در یک پروژه تحقیقاتی در آلمان با نام (Vi Demo) که در سال ۲۰۲۰ انجام

۱. این احساس کمبود فرصت در جامعه مادی‌گرای غرب یادآور نظریه فشار در جرم‌شناسی و ارتباط میان جرم و فرصت‌های قانونی رابرت کی. مرتن است. که موضوع آن رفاه مادی، منزلت اجتماعی و موفقیت است؛ در واقع همان رویای آمریکایی است. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به کتاب مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی؛ جرم و جرم‌شناسی نوشته راب وایت و فیونا هینز، ترجمه علی سلیمی.

شد، طی مصاحبه با پلیس ضد شورش در این کشور مشخص شد که رویه دولت آلمان جهت برخورد با ناآرامی‌های اجتماعی جلوه سیاسی و امنیتی دادن به این قبیل رخدادها نیست؛ بلکه تلاش می‌شود تا به این موضوع دست یابند که چه عواملی عملاً به عنوان سیگنال‌هایی برای احتمال رخداد خشونت شهری عمل می‌کنند که باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. در حقوق این کشور به تصویر کشیدن دشمن از معترض به سبب ناآگاهی از ماهیت جنبش‌های اجتماعی، عدم تجربه کافی از اعتراضات و در انتها وجود فاصله میان شهروندان عادی و دولت دانسته می‌شود. در این پروژه نشان داده شد نظارت در برطرف کردن این شکاف‌ها به همان اندازه پتانسیل تضاد را به حداقل می‌رساند (اولریچ،^۱ ۲۰۲۰: ۳۱).

فصل ۱۷ قانون مجازات فنلاند مصوب ۲۰۱۲ که عنوان جرایم علیه نظم عمومی^۲ دارد، به جرایم آشوب،^۳ اعتراض و ناآرامی‌های شهری پرداخته است؛ قانون‌گذار این کشور به صراحت این جرایم را از دایره جرایم امنیتی خارج کرده است. با بررسی ناآرامی‌ها در این کشورها می‌توان دریافت این رویکردهای مختلف نسبت به مقوله اعتراضات اجتماعی، زمینه‌ساز اتخاذ الگوها و برخوردهای متفاوت برای مقابله با این پدیده شده است؛ که این پارادایم‌های مختلف، در نحوه برخورد با مرتکبان نیز تأثیر مستقیم گذاشته، به گونه‌ای که در کشوری مانند فنلاند به جمعیت درگیر در آشوب و ناآرامی در صورت تذکر پلیس مبنی بر متفرق شدن و اعتنا نکردن، فقط به بیش از یک سال حبس محکوم خواهند شد؛ در پیش گرفتن چنین رویه‌ای در این کشور را باید تنها به دلیل امنیتی محسوب نکردن و جرم اخلال در نظم عمومی تعریف کردن اعتراضات خیابانی دانست.

ناآگاهی از مطالبات و خواست‌های کنشگران در حقوق داخلی، علاوه بر اینکه سبب طولانی شدن بحران اجتماعی و ادامه آن می‌شود، موجب از دست رفتن ارزش‌ها و

1. Ullrich

2. The Criminal Code of Finland (2012); Chapter 17 - Offences against public order

3. Section 2 – Rioting: When a crowd clearly intends to employ violence against a person or cause significant damage to property, a person who actively participates in the acts of the crowd, and in this context fails to obey an order lawfully issued by a competent official to disperse, shall be sentenced for rioting to a fine or to imprisonment for at most one year

هنجارهای ریشه‌دار اسلام و فرهنگ کهن ایران خواهد شد. باید پذیرفت تحقیقات اشاره‌شده فوق‌الذکر در عین اینکه واقعیتی انکارناپذیر را بیان می‌کند، نمی‌تواند بازتاب درستی از وضعیت ایران باشد؛ زیرا کنش اعتراضی مردم در سال‌های اخیر، در سرزمینی با رویکردی اسلامی انجام شده، که خود این امر بیانگر الگو و طرحی نوین متناسب با جامعه ایران را می‌طلبد؛ زیرا «مقوله‌ای که ارزش‌های متکثر را به هم پیوند می‌دهد، دال مرکزی آن ارزش‌هاست. اسلام و رکن اصلی آن توحید در نگرش اسلامی، دال مرکزی و کانونی ارزش‌هاست و همه اصول، قواعد و ارزش‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و دفاعی از آن ناشی می‌شوند» (باقری چوکامی و عابدینی، ۱۳۹۷: ۹۲). در واقع با عنایت به آموزه‌های اعتقادی و اسلامی موجود، هرگونه تسلط بر دیگری ولو به شکل حکومت در صورتی مورد پذیرش است که مشروعیت داشته باشد چراکه انسان آزاد آفریده شده است.

مطابق برخی مطالعات داخلی، علل جامعه‌شناسی و امنیتی این قبیل اتفاقات ناشی از «مشکلات و تنگناهای اقتصادی مردم، تغییر فضای سیاسی ناشی از رواج اندیشه غرب‌گرایی، تشدید بازی‌های سیاسی - جناحی در ایران، نبود راهبرد مشخص در مواجهه با جنبش‌های اعتراضی، هدایت جریان‌های ضدانقلاب در ایجاد ناامنی در ایران، تخریب اندیشه‌های دینی و ملی در ایران از طریق قدرت رسانه‌ای، تشدید عملیات روانی رسانه‌های غربی علیه حاکمیت و افزایش تحریم‌های اقتصادی با هدف ایجاد نارضایتی در کشور است» (راسخی و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۹). شایان ذکر است روایتگری‌های مختلف از ناآرامی‌های اخیر ایران توسط برخی از رسانه‌های خارجی با بُرد جهانی که مخاطبانی از هر طیف سنی و با هر ملیتی در سراسر جهان دارند، پیامدهای سوئی بر جای خواهد گذاشت. پخش اخبار غیرواقعی می‌تواند یا برای جذب کلیک مخاطب باشد و یا اینکه با غرض‌ورزی و با سوگیری جهت آسیب‌رسانی باشد. با توجه به روحیه استکبارستیزی ایران در جامعه جهانی، پرواضح است که این رسانه‌ها با دروغ‌پراکنی و به‌اصطلاح با خبرگزاری زرد درصدد پخش و بازنشر اخبار مضر و گمراه‌کننده در جهت لطمه‌زنی به ایران اسلامی هستند؛ واقعیتی

غیرقابل انکار است که تولیدکنندگان این قبیل اخبار توسط اشخاصی بداندیش نوشته و منتشر می‌شود، که خود از کذب بودن این خبرسازی‌ها آگاه‌اند. با این حال باید اذعان کرد این‌گونه خبررسانی اثراتی منفی در تخریب وجه مثبت ایران در جامعه جهانی خواهد داشت. نقش رسانه‌های معلوم‌الحالی مانند بی‌بی‌سی، رادیو فردا و... در این زمینه انکارنشدنی است. این رسانه‌ها با فعالیت‌های شبانه‌روزی اقدام به جهت‌دهی ذهن مخاطبان داخلی و خارجی خود می‌کنند. در پایگاه اطلاع‌رسانی دولت به نقل از وزیر سابق فرهنگ و ارشاد جناب محمدمهدی اسماعیلی در نشست در فرمانداری شهرستان رامسر در آبان ۱۴۰۱ چنین نقل شده است: تروریسم رسانه‌ای که امروزه آمریکا به راه انداخته، با تحریف، دروغ و جعل، اتحاد ملی ایران را هدف گرفته و به دنبال انشقاق و دوقطبی‌سازی است.^۱ یکی از راهکارها برای رویارویی منطقی با این‌گونه اقدامات مزورانه این رسانه‌ها در مخدوش کردن چهره ایران اسلامی و پیشگیری از آن، آگاه‌سازی مخاطبان است. در واقع با نشان دادن این موارد که موضوع و محتوای خبر چیست؟ منبع خبر کدام است؟ و نشان دادن جعلی و فیک بودن تصاویر و فیلم‌های^۲ تهیه شده؛ و از همه این‌ها مهم‌تر شفاف‌سازی و رهاسازی با قاعده پوشش خبری حوادث به‌طوری‌که روزنامه‌نگاران و خبرگزاری‌های داخلی بتوانند به اطلاعات دسترسی داشته باشند خود می‌تواند پاسخی کوبنده و قاطع به اقدامات رسانه‌ای معاند در دامن زدن به وضعیت آشوب‌ها باشد.

در این خصوص، مطلبی که به ذهن خطور می‌کند این نکته است که عدم انطباق مکانیسم نیروهای حفظ نظم با سازوکار چگونگی پیشگیری از جنش‌ها و ناآرامی‌های خیابانی خود عامل مهمی در دامن زدن به حادثه خواهد بود؛ که علت این عدم انطباق «رویگردانی از نهاد پلیس محله و روی آوردن به سیستم پلیس تهاجمی که عمده فعالیت آن احضار، دستگیری و تسلیم به مقامات قضایی است» (گسن، ۱۳۹۹: ۸۷). یکی دیگر از دلایل، ضعف دولت در خلق و بهره‌گیری از یک تأسیسی با سازوکاری مشخص برای

۱. به نقل از خبرگزاری اطلاع‌رسانی دولت www.Dolat.ir. تاریخ دسترسی ۱۴۰۳/۱۱/۲۴

شناسایی تغییرات و دگرگونی‌های خشونت‌های شهری نه برای برخورد قانونی بلکه برای پیشگیری از ناآرامی و آشوب است؛ که برگزیدن مسیری جز این، موجب انتخاب راهبرد درگیری با کنشگران معترض می‌شود. در اینجا است که مدیریت خطر جرم نمود پیدا می‌کند؛ این نوع مدیریت برای کنترل وضعیتی است که آمادگی برای وقوع جرم در آن مشهود است و کوشش بر این است که با درک و شناخت آن شرایط، آن را کنترل و مدیریت کند. درحقیقت با این نوع مهندسی ریسک، به‌جای درگیری مستقیم و گاه خشونت‌آمیز با کنشگران معترض با اتخاذ مکانیسم شناسایی وضعیت، اقدام به پیشگیری کرده که این راهکار بهتر از درگیری خواهد بود؛ که این همان تحقیقات ثابت‌شده‌ای است که در آلمان انجام شده است.

در موارد بحرانی گفتمانی مبتنی بر حل و فصل اختلافات که نشانگر رفتاری استاندارد است باید صورت گیرد؛ این رفتار استاندارد بر سه فرض ضمنی استوار است: «۱. درگیری‌های خشونت‌آمیز همیشه نامطلوب هستند و باید متوقف شوند؛ ۲. مذاکره باید همیشه یا تقریباً همیشه انجام شود؛ ۳. حل و فصل‌های مورد مذاکره این فرصت را می‌دهد که نه تنها به خشونت پایان داده شود، بلکه به علل اصلی درگیری نیز رسیدگی شود» (پیکولینو، ۲۰۲۳: ۲۹۱). این دغدغه هم‌اندیشی با مردم، هم‌امید به زندگی را افزایش می‌دهد و هم گامی در راستای حفظ و استقرار صلح است. صداقت با مردم و همچنین درونی‌سازی ارزش‌ها و هنجارهای حاکم در جامعه اسلامی، که کاری است زمان‌بر و نیازمند شکیبایی بسیار، ازجمله راهبردها و روش‌هایی است که مانع برهم خوردن امنیت داخلی شده و هم سدی در برابر کرنش و تواضع‌ظاهری آحاد جامعه در مقابل قانون ایجاد خواهد کرد.

۴. پیامدهای مطالبه‌گری

مطالبه‌گری همیشه دارای پیامدهایی است که این پیامدها می‌تواند به دو صورت مثبت و منفی نمایان شود؛ در ادامه به بررسی هریک پرداخته می‌شود.

۴-۱. تأثیر مثبت مطالبه‌گری

مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان در سال ۱۴۰۱ مسئله بسیار مهمی را مطرح کردند و آن مماس شدن با مسائل و مشکلات کشور و ارائه راه‌حل برای آن توسط دانشجویان است؛^۱ که همین موضوع از کارایی‌های سودمند مطالبه‌گری در حوزه فردی خواهد بود. ارزیابی واژه مماس در کلام ایشان و تحلیل آن، ما را به این موضوع رهنمود می‌کند که تماس مستقیم و به اصطلاح تلاقی بلاواسطه با یک معضل و مسئله و نه نگاهی از دور، سبب تغییر نگرش و پارادایم مطالبه‌گری خواهد شد. درگیر شدن مستقیم مردم در مشکلات سبب دگرگونی اندیشه آنان و لمس واقعیت‌ها خواهد شد.

«اگر گروه‌های مختلف یک جامعه احساس کنند که آزادانه شریک آن جامعه هستند، حکومت را حافظ منافع عمومی می‌دانند و درعین حال که با بعضی از قوانین مخالفت می‌کنند نسبت به اصول و مجموعه قوانین اتفاق نظر دارند. این مجموعه به مجموعه‌ای از آن خود آن‌ها مبدل می‌شود و موجب حفظ و افزایش رفاه و آسایش عمومی، که در آن سهم می‌باشند، می‌گردد» (مک‌آیور، ۱۳۵۴: ۹۸). مشارکت و مماس شدن ملت در امور جامعه نه تنها سبب تقویت پایه انقیاد و احترام به قانون می‌شود، بلکه موجب می‌شود «مردم در مطالبه‌گری خود توان دولت اسلامی را در نظر بگیرند؛ اگر مورد مطالبه موردی است که از توان دولت اسلامی خارج است و یا در زمان مطالبه‌گری از توان وی خارج است، قطعاً مطالبه‌گری بدین نحو، نه تنها مفید و مؤثر نخواهد بود بلکه منجر به تضعیف دولت و ایجاد ناامیدی در مردم نسبت به دولت اسلامی خواهد شد» (الهی، ۱۴۰۰: ۸۰). درحقیقت این غرق شدن مردم در امور اجتماعی از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) نه تنها موجبات تعامل با حاکمیت در اداره امور شده و بخشی از فشارها از دوش دولت برداشته خواهد شد، بلکه مطالبات و خواست‌های آنان را از یک چارچوب آرمان‌گرایانه خارج خواهد شد و منطبق با توانایی و استطاعت، عینی‌تر خواهد بود.

۱. به نقل از پایگاه رسمی <https://farsi.khamenei.ir>

کمال مطلوب از مطالبه‌گری، ایجاد گفتمان و بستری از طلب کردن اجرای عدالت در عامه مردم و پیدایش قدرتی پویا و خلاق در این راه و افزایش هم‌افزایی در توده مردم است. بیانات رهبری در اردیبهشت ۱۴۰۱ در این خصوص قابل توجه است که می‌فرمایند: «طبیعت دانشجوی مطالبه‌گری است؛ مطالبه‌گری کنید و از مسئولان بخواهید که کار جدی بکنند. یکی از کارهایی که شماها می‌توانید بکنید این است؛ شما برحذر بدارید مسئولان را از کارهای نمایشی. از آن‌ها بخواهید کارهای جدی و واقعی انجام بدهند.» از اثربخشی مثبت این‌گونه کشگری این است که مردم، مسئولان را در ابتدای امر وادار به پاسخ‌گویی می‌کنند و در مرتبه دوم در یک جامعه شهروندمدار دست‌اندرکاران اداره کشور برای کسب و تقویت اعتماد عمومی که از سرمایه‌های ارزشمند اجتماعی است، فعالیت‌های خود را که نشانگر موفقیت، خبرگی و دانش است، برای دیده شدن ارائه می‌دهند. «یکی از تکالیف کسانی که در زندگی دولتی قرار دارند این است که ارائه‌دهندگانی برحق باشند. باید راه‌هایی را برای نشان دادن تأثیرات کار خود پیدا کنند» (افریت، ۱۳۸۹: ۹۰). در واقع این شکل از مطالبه‌گری ترسیم راهوار این مسیر است. اعتراض به مسئولان و پیگیری درست امور از آنان، ملازمه‌ای با ساختارشکنی ندارد. مطالبات صحیح در چارچوب قانونی سبب شناسایی علت وقوع امور به‌وسیله مسئولان، تصمیم‌گیری و اقدامات بجا و درنهایت نتیجه‌نکو خواهد بود. نهایت تمام این مطالبات کنترل امور را در دست گرفتن توسط متصدی و درک عمیق عبارت «من مسئول هستم» می‌شود.

۲-۴. پیامدهای منفی مطالبه‌گری

این حقیقت انکارنشدنی است که گاه مطالبه‌گری از جریان طبیعی خود خارج شده و بنا به موقعیت زمانی و مکانی دایره آن به‌گونه‌ای گسترده می‌شود که می‌تواند تأثیرات سوئی بر اجتماع و ملت داشته باشد. در این بخش طی دو قلمرو به بررسی پیامدهای سوء مطالبه‌گری در سطح فردی و اجتماعی پرداخته می‌شود.

۴-۲-۱. پیامد و آسیب فردی

ناآرامی‌های شهری و مطالبه‌گری ساختارشکنانه می‌تواند در قالب تشکیلات منظم و به شکل جمعیتی باشد که ایجادکنندگان ناچار از جذب نیرو هستند. این عضوگیری به دو شیوه ممکن است صورت گیرد؛ گروهی از افراد آگاهانه و با اطلاع از اهداف برهم زدن امنیت و ایجاد آشوب در جامعه به این قبیل جریان‌ات می‌پیوندند؛ اما دسته دیگری از افراد، بدون آگاهی از اغراض این دسته‌جات، با فراهم کردن بستر اقدامات خرابکارانه آن‌ها به‌طور ناخواسته اعم از سرمایه‌گذاری و یا تهیه امکانات، این جمعیت‌ها را در پیشبرد اهدافشان یاری می‌رسانند؛ در این زمینه ماده ۴۹۸ و ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ قابل ذکر است. قانون‌گذار به‌درستی با تدبیری سنجیده با درک شرایط شخص ثالث ناآگاه دخیل در این حوادث، مجوزی قانونی به وی داده تا با اثبات وضعیت گرفتار شده در آن، از مجازات رهایی یابد.

قابل ذکر است «مقامات و مأموران دولتی که اغتشاشات داخلی را کنترل می‌نمایند، مسئولیت بزرگی در احترام به حق حیات، تمامیت و شأن و منزلت اشخاص دارند» (پیری، ۱۳۹۴: ۵۸). در این میان اگر آسیب و خسارتی به افراد ثالث وارد شود، پاسخ‌گویی آن‌ها امری مسلم و محرز است. برای مثال در صورت درگیری خیابانی و به‌کارگیری سلاح توسط مأموران و برخورد اشتباه تیر به رهگذر ثالث و وارد آمدن آسیب جسمانی به وی، مسئولیت جبران آسیب پابرجاست. در این خصوص ماده ۱۳ قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳ مقرر می‌دارد: «در صورتی که مأمورین با رعایت مقررات این قانون سلاح به کار گیرند و در نتیجه طبق آراء محاکم صالح شخص یا اشخاص بی‌گناهی مقتول و یا مجروح شده و یا خسارت مالی بر آنان وارد گردیده باشد، پرداخت دیه و جبران خسارت بر عهده سازمان مربوط خواهد بود.» نکته قابل ذکر دیگر اینکه حتی اگر در حین ناآرامی‌های خیابانی به‌عنوان مثال انفجاری از جانب آشوبگران رخ دهد و آسیب و خسارتی به جان و مال شخص ثالثی وارد شود، خود آنان

مسئول جبران خسارت خواهند بود؛ مگر اینکه مرتکبان شناسایی نشوند که بنا بر قاعده احترام، حفظ حرمت جان و مال مردم از واجبات است و از طریق بیت المال باید جبران شود. اتمسفر و جو سنگین حاکم بر موضوعات مربوط به حوادث و جنبش های خیابانی سال های اخیر مبنای مجوزی قانونی برای فراخواندن به دادرسی و مجازات اشخاص به صرف یک اظهار نظر نیست. یکی از آرای که در سال ۱۴۰۲ در شعبه ۴ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان اراک در خصوص ایراد سخنرانی فردی اصلاح طلب درباره حوادث سال ۱۴۰۱ مشتمل بر نقد عملکرد نظام در مواجهه با آن قضایا صورت گرفت جالب توجه است؛ استدلال بازپرس محترم پرونده بدین قرار است:

«۱. انتقاد از شیوه حکمرانی حق مسلم هر شهروند ایرانی و از اقتضائات آزادی بیان محسوب می شود و اساساً یکی از دلایل حدوث انقلاب اسلامی، تحقق این حق بنیادین و مخالفت با رویه استبدادی و اختناق آمیز رژیم سابق است.

۲) با مذاقه در نص ماده ۵۰۰ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی که بیان می دارد: «هرکس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه ها و سازمان های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید...» مشخص می شود که این بزه در دو حالت تبلیغ علیه نظام یا تبلیغ به نفع گروه های مخالف نظام تحقق می یابد؛ اولاً اساس تشکیل جناح اصلاح طلب به طور کلی در چارچوب نظام جمهوری اسلامی بوده است و ذات این جریان مبتنی بر انجام اصلاحات سیاسی، فرهنگی، و اقتصادی در چارچوب نظام و قانون اساسی بوده است. گذشته از این، رهبر انقلاب اسلامی، آیت الله خامنه ای، از حامیان تشکیل این جناح بوده است، کما اینکه در سخنان خود بیان داشته اند: «دو جناح برای این کشور مثل دو بال اند» (۱۳۸۴/۰۲/۱۹)؛ ثانیاً مفاد اظهارات مشتکی عنه نیز در راستای همان رویکرد انتقادی اصلاح طلبانه و مبتنی بر راهبرد پیگیری اعتراضات سیاسی به صورت مدنی، مسالمت آمیز و خسونت ستیزانه طرح شده است، لذا حتی بر فرض احراز رکن مادی، رکن معنوی بزه در این خصوص، با توجه به ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی، مفقود است.

درمجموع با عنایت به آنچه طرح و شرح شد، نظر به عدم احراز وقوع بزه و حاکمیت اصل کلی برائت مستند به ماده ۲۶۵ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات بعدی قرار منع تعقیب مشکی عنه صادر و اعلام می‌گردد.

انتشار چنین آرای، مشاهده و مطالعه آن توسط سایر شهروندان علاوه بر آنکه حیثیت مخدوش شده فرد فراخوانده شده به دادرسی در این قبیل پرونده‌ها را ترمیم کرده و جبران خسارت معنوی محسوب می‌شود، اطمینان خاطر و امنیت روانی بسیاری برای آحاد جامعه ایجاد می‌کند و در مرحله پساناآرامی سبب می‌شود شرایط تحت کنترل مؤثر درآمده و زمینه‌ساز همسویی آحاد جامعه فراهم شده، همچنین شفاف‌سازی اتفاقات، نشانگر صداقت و حمایت دستگاه قضا از شهروندان است؛ ازسوی دیگر بیانگر استقلال دستگاه قضایی از جریانات سیاسی خواهد بود.

۲-۲-۴. پیامد اجتماعی

پیامد اجتماعی مطالبه‌گری بسیار حائز اهمیت است، به دلیل آنکه از دایره فردی خارج و کل اشخاص حاضر در آن اجتماع را درگیر می‌کند؛ ازاین‌رو در سطور بعد دوقطبی شدن مردم-دولت به مطالعه پرداخته شده است.

۱-۲-۲-۴. دوقطبی شدن مردم-دولت

یک ادبیات کوچک اما روبه‌رشدی شروع به کاوش در ابعاد مختلف زندگی شهری کرده است که به تعبیری می‌توان آن را ترومای مزمن شهری نامید؛ و آن برای توضیح جریاناتی است که در آن گسیختگی‌های ناگهانی و طولانی مدت هنجارشکن رخ می‌دهد که بر درک مردم از خود و مکانشان تأثیر می‌گذارد. باید اذعان کرد گاهی اوقات گسست‌ها، هرچند مخرب یا آسیب‌زا می‌توانند به افشای بی‌عدالتی‌ها، نابرابری‌ها و نشان دادن شکاف میان مردم و دولت منجر شود، که در غیر این صورت توسط صاحبان قدرت مورد توجه قرار نمی‌گرفت. اعتراضات بعضاً همراه با خشونت شهری، ساعت زنگ‌داری است که به‌خوبی نشان می‌دهد که این ناآرامی‌ها به‌نوعی نمادی از ایجاد و وجود درز و خلأ میان افراد حاضر

و آینده با حاکمیت است؛ زیرا مفهوم حافظه جمعی از مفاهیمی است که تجربه‌های متنوع گذشته را به روایت‌های بیش از حد همگن و یکنواخت امروزی تبدیل می‌کند. واضح است که رویدادهای مهم یا شرایط اضطراری مانند ناآرامی‌های شهری می‌توانند طنین جمعی قدرتمندی در سال‌ها و دهه‌های پس از آن داشته باشند. در این راستا مفهوم «پساحافظه قابل ذکر است که توضیح می‌دهد چگونه کسانی که از نسلی نبودند که یک وضعیت خاص را تجربه کنند، با وجود این می‌توانند تحت‌تأثیر آن قرار گیرند» (Ince et al., 2023: 93)؛ به‌گونه‌ای که خاطرات نسل‌های بعدی توسط کسانی که آن‌ها را منتقل می‌کنند، شکل می‌گیرد و فیلتر می‌شود. پس خاطره یک ساختار نسلی از انتقال است که در اشکال متعدد تعبیه شده است؛ از این‌رو ذهنیت نسل آینده در حالت عادی به‌گونه‌ای ترسیم می‌شود که باورمند به وجود رخنه و شکاف است؛ در واقع افکار و به‌طور کل روند زندگی افراد یا نسل بعد بدون دخالت در رویدادهای ساختارشکنانه تحت‌تأثیر قرار گرفته و خواه‌ناخواه شکل می‌گیرد؛ حال آنکه برای داشتن جامعه و ایرانی آباد، ذهنیتی مثبت و رو به آینده نیاز است.

همچنین شایان ذکر است فرسایش ذهنی جامعه به‌دلیل اعتراضات گسترده خارج از چارچوب و عدم موفقیت نهادها در جلب مشارکت مردم در حل مشکلات می‌تواند به احساس عدم اطمینان در مورد چشم‌انداز آینده افراد کمک کند؛ همین امر می‌تواند ایمان و اعتماد عمومی را تضعیف کند. «اگرچه ناآرامی‌های سیاسی که با رویدادهای مکرر و عمدتاً غیرخسونت‌آمیز مشخص می‌شوند ممکن است به‌اندازه درگیری‌های مسلحانه مخرب نباشند، تحلیل‌ها نشان می‌دهد که وجود چنین رویدادهایی بر روند زندگی و سلامت کلی اجتماع تأثیر منفی می‌گذارد. تحقیقات نشان می‌دهد عدم اطمینان در میان جوانانی که اعضای خانواده‌های آن‌ها در فعالیت‌های اعتراضی مشارکت داشتند، بیشتر بود» (Liu et al., 2019: 15). در حقیقت ترکیبی از درگیری، تنش و عدم اطمینان نسبت به آینده به‌طور هم‌زمان بر سرمایه اجتماعی تأثیر منفی می‌گذارد. این نشان می‌دهد که تأثیر اعتراضات شدید خیابانی بر اعتماد عمومی، به‌عنوان شاخص سرمایه اجتماعی، ممکن است به نوع اعتراض، زمینه و طول مدت، حساس باشد. در آشوب‌ها و ناآرامی‌های ۲۰۰۵ فرانسه برخی از

اندیشمندان فرانسوی معتقد بودند «چکیده مشکلات فرانسه در ایجاد همبستگی اجتماعی است» (گسن، ۱۳۹۹: ۶۵)؛ از این رو با استعانت از عبارت پیش گفته در خصوص بحران‌های شهری به وجود آمده در سال‌های اخیر در جامعه ایران باید گفت چکیده مشکلات این قبیله برون‌ریزی‌های شهروندان، ناکامی در ایجاد همبستگی اجتماعی است.

برای برون‌رفت از مشکل دوقطبی مردم- دولت و ایجاد همبستگی اجتماعی، سخنان رهبر فرزانه ایران در سال‌روز قیام ۱۹ دی در دیدار با مردم قم در سال ۱۴۰۲ جالب توجه است. ایشان تکیه بر توده‌های مردم را انتخاب راهبردی امام راحل در قبال روش‌های رایج سیاسی از جمله نشست و برخاست با احزاب و چهره‌های سیاسی دانستند؛ تکیه بر مردم البته درس امیرمؤمنان است که در نهج‌البلاغه می‌فرماید توده‌های مردم تکیه‌گاه دین، بدنه اصلی جامعه و ذخیره روز رویاری با دشمن است. ایشان با انتقاد از کسانی که حضور رئیس‌جمهور در میان مردم را پوپولیسم می‌خوانند، فرمودند: مردم‌داری نقطه اصلی سیاست‌های نظام است که در این مسیر جهت‌دهی دقیق و توان‌بخشی معرفتی را دو لازمه کشاندن مردم به میدان مبارزه و ایستادگی برشمردند و اشاره کردند که هدف از دعوت مردم به حضور، حاکمیت اسلامی، عزت اسلامی، صلاح کامل و اعتلای ملت و مقابله با استکبار است.^۱

۵. پیشگیری از ناآرامی

مقبولیت هر ایده و راهبردی از جانب شهروندان و مخاطبان آن، تضمین‌کننده اجرای صحیح آن خواهد بود. به این دلیل که «برنامه‌های اجتماعی با هدف مدیریت کردن جامعه و افراد جامعه تدوین می‌گردد. که برای حصول این هدف، پذیرش عمومی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد به‌طوری‌که اگر برنامه بسیار مفید و نافع باشد لکن مورد پذیرش نباشد قطعاً به هدف نخواهد رسید» (مطهری بیدگلی، ۱۳۸۸: ۵۴).

۱. خامنه‌ای، حضرت آیت‌الله سید علی (دی‌ماه ۱۴۰۲)، به نقل از خبرگزاری صداوسیما www.iribnews.ir

از این رو در راستای پیشگیری از بازرخداد چنین حوادثی می‌توان با وام گرفتن از ایده‌ای که در کشور کلمبیا اجرا شد، مسیر را در پیش گرفت. در این اندیشه برای جلوگیری از جذب جوانان به گروه‌ها و رفتارهای پر ریسک برنامه‌ای ترتیب داده شد؛ «این برنامه نتیجه همکاری دولت کلمبیا، یونیسف و وزارت توسعه آلمان بود. برنامه‌ای با محوریت فوتبال برای اشاعه اصول فوتبال به عنوان روحیه گروهی، مدارا، احترام و ارزش‌های اجتماعی نزد مردان و زنان ساکن در محله‌های نامناسب و آماده الحاق به باندهای مجرمانه تدوین شد؛ که هدف این برنامه ۱. استفاده از فوتبال به عنوان یک ابزار برای تشویق روحیه همکاری و مدارا بین جوانان ساکن محله‌های آسیب‌پذیر؛ ۲. تقویت فرهنگ گفت‌وگو بین ساکنان محلی و کنشگران سیاسی با استفاده از اصول فوتبال بود» (ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۱۱۶).

در جامعه ایران نیز با عنایت به محبوبیت ورزش میان شهروندان به‌ویژه جوانان، می‌توان با برنامه‌ریزی سازنده و مولد و با ترتیب دادن ساختاری سنجیده از همکاری‌ها و ورزش‌های گروهی با رویکردی جامعوی و درعین حال با نظارت غیرمستقیم دولت، تعلیماتی را در ضمن بازی مفرح به شرکت‌کنندگان داد؛ از جمله توان‌بخشی و تقویت تواضع، رعایت اصول و مقررات گروه و بازی (در واقع رعایت مقررات زندگی اجتماعی)، شکیبایی در برابر چالش‌ها، پافشاری و مداومت و در انتها گسترش فرهنگ مدارا و گفتمان را سبب شد.

همچنین در راستای دگرگونی در شیوه‌های حل اختلافات اجتماعی، می‌توان با استقراض از تفکر عدالت ترمیمی با برگزاری نشست‌ها و ترتیب کنفرانس‌هایی میان بزهکاران و بزه‌دیدگان این قبیل جرایم (که مربوط به یک جرم نیستند) و حضور جامعه مدنی، امکان تعامل و بیان مشکلات به وجود آمده برای ثالث ناخواسته درگیر و علل رخداد این جرایم در کادر و چارچوبی دوستانه فراهم کرد. «در این شیوه، غیرقابل قبول بودن رفتار تبیین می‌شود. حدود ارزش‌ها و ضدا ارزش‌ها مشخص و نوعی شرمساری نجات‌بخش و جامعه‌پذیرکننده فرد بزهکار به وجود می‌آید» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۲۲۲). به درستی که این جلسات، تلاشی در جهت اقناع درونی مرتکبان و بیداری وجدان خفته آنان است. این اقدامات نظریه کف نفس رکلس را یادآوری می‌کند که با نشان دادن هنجارهای قابل احترام

جامعه به مرتکبان و آسیب وارده به ثالث در محدوده‌ای مسالمت‌آمیز، خویشتن‌داری و بازدارندگی درونی فرد را افزایش داده و میزان پابندی وی را به اخلاق و قانون افزایش می‌دهد. همچنین «پیش‌بینی وضعیتی که مرتکبان را از کرده خود بازدارد، با این تفسیر و سنجش ذهنی که در صورت توقف اقدامات مجرمانه خویش تهدیدی از ناحیه دولت متوجه وی نخواهد بود، می‌تواند راهکاری بایسته باشد، خصوصاً از این‌رو که در این قبیل بزهکاری‌های دسته‌جمعی فرد تحت‌تأثیر اقدامات سایرین قرار گرفته است» که این سیاست اتخاذی می‌تواند مرتکبان را از ادامه اقدامات بازداشته و موجبات تواضع و کرنش شهروندان در مقابل قانون را فراهم کرد (اکبری و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۷۱).

باید اذعان کرد این دسته از جرایم با توجه به شدت و حدتی که دارند کل جامعه ایران را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند که می‌توان با انعکاس بازخورد و نتایج مثبت این نشست‌ها و گفت‌وگوها، در آینده مانعی محکم و اساسی در مقابل این حوادث ایجاد کرد؛ زیرا ارزش‌ها نهادینه شده و هم‌اینکه امری واضح است که مردم باید به نجات مردم آیند. درحقیقت با شرمساری رهاننده، اجتماع با روی باز به استقبال این شهروندان رفته و به دید وصله‌ای ناسازگار بدان‌ها نمی‌نگرد.

اگرچه این ایده زمان‌بر بوده و به فوریت به نتایج دلخواه نمی‌رسد، اگر به خسارات و آسیب‌های بعضاً جبران‌ناپذیر ناآرامی‌های شهری اندیشیده شود، به نظر می‌رسد برای پیشگیری و راهبرد عمقی و نهادینه کردن فرهنگ تعامل و گفت‌وگو به جای درگیری خیابانی بتوان با دیدی مثبت بدان نگرست.

همچنین با اتخاذ رویکرد پیشگیری وضعیت‌مدار، برای جلوگیری از تخریب و تحمیل خسارات مادی ناشی از انفجار شیشه‌ها و درب‌های ساختمان‌ها و اماکن متعلق به دیگران، بانک‌ها و... می‌توان با بهره‌گیری از فناوری روز دنیا و کسب استانداردهای لازم، شیشه‌های ضدآشوب و ضدانفجار طراحی و نصب کرد تا از این طریق آشوبگران، از امکان تخریب ناتوان شوند.

در این میان می‌توان با رویکردی آینده‌محور با انجام پژوهش‌های آتی درخصوص شناسایی پس‌زمینه‌های رخداد اعتراضات اجتماعی اقدام به مدیریت ریسک این قبیل حوادث در آینده کرد؛ امری واضح است که بهره‌گیری از علم و دانش و دستاوردهای تحقیقات آتی در این قلمرو می‌تواند سبب افزایش آگاهی واقع‌بینانه در این موارد شده و با اتخاذ تدابیری متناسب در بازرخداد رویدادهای بعدی پیشگیری کرد.

۶. نتیجه‌گیری

اصطکاک و تنش اجتماعی در جوامع شهری، با عقبه‌ای از مطالبه‌گری هنجارین و ساختارشکن همراه است. اگر با لنز دوربینی دقیق، به بررسی میراث ناآرامی‌ها پرداخته شود، به این درک می‌توان رسید که تبعات مطالبه‌گری در قلمرو مثبت آن، به صحنه کشاندن و مطابق فرمایش مقام معظم رهبری مشارکت مردم را در پی دارد.

پیامدهای منفی مطالبه‌گری هنجارشکن اعم از فردی و اجتماعی است؛ در سطح فردی باید گفت اتمسفر و جوّ سنگین حاکم بر موضوعات مربوط به حوادث و جنبش‌های خیابانی سال‌های اخیر مبنا و مجوزی قانونی برای مجازات اشخاص به صرف یک اظهارنظر نیست؛ که با رایی مبنی بر منع تعقیب در شعبه ۴ بازپرسی دادسرای شهرستان اراک در سال ۱۴۰۲ پرونده مزبور مختومه شد. به‌درستی استقلال دستگاه قضا و شفافیت عملکرد سبب برگشت آرامش و حس امنیت روانی به افراد خواهد شد؛ که با انتشار و انعکاس این قبیل آراء می‌توان جبران خسارت معنوی ثالث درگیر را فراهم کرد. در صورت بروز خسارات ناخواسته از جانب مأموران به اشخاص ثالث طبق ماده ۱۳ قانون به‌کارگیری سلاح جبران خسارت انجام خواهد شد.

آثار اجتماعی؛ دوقطبی‌سازی مردم - دولت به سبب وجود واقعیت پساحافظه اجتماع شده که سبب انتقال تفکر منفی به نسلی می‌شود که این رویدادها را درک نکرده‌اند.

علل اساسی شکل‌گیری ناآرامی‌های خیابانی را باید در دلایل جامعه‌شناسی و امنیتی جست‌وجو کرد؛ همچنین عدم انطباق مکانیسم نیروهای حفظ نظم با روش‌های پیشگیری و همین‌طور روی کار آمدن پلیس تهاجمی به جای پلیس محله از دلایل مهم چنین رویدادهایی

است که همین امر سبب گزینش راهبرد درگیری با کنشگران معترض خواهد شد. فقدان مهندسی ریسک کنش‌های خیابانی نیز از دیگر دلایل مهم ایجاد و افزایش تنش است. با مطالعه در قوانین و مذاقه در تحقیقات کشورهایی چون آلمان و فنلاند مشخص شد رویکرد این کشورها نه جلوه امنیتی دادن به این حوادث بلکه واکاوی سیگنال‌های ایجاد آن‌ها است تا تدابیری متناسب برای مقابله با این پدیده سنجیده شود.

در راستای پیشگیری از رخداد چنین حوادثی، می‌توان با وام‌گیری از ایده به‌کاررفته در کشور کلمبیا، یک برنامه‌ریزی سازنده و مولد انجام داد و با جذب شهروندان به‌ویژه جوانان در طرح همکاری ورزشی و اجتماعی با رویکرد جامعوی، تعلیماتی درخصوص تقویت تواضع، گسترش فرهنگ مدارا و گفت‌وگو را در ضمن تفریح آموزش داد. همچنین در راستای ایجاد انقلابی در شیوه‌های حل اختلافات اجتماعی با برگزاری نشست‌هایی دوستانه با حضور طرف‌های درگیر تنش و جامعه مدنی، به بیان آسیب‌ها و مشکلات پدیدآمده برای اشخاص ثالث پرداخت و از این طریق شرمساری نجات‌بخش برای بزهکاران این قبیل جرایم فراهم کرد.

همچنین با انجام پژوهش‌هایی در آینده درخصوص چگونگی مدیریت و مهندسی ریسک این رویدادها می‌توان با دانسته‌های علمی و با داده‌هایی دقیق به رویارویی با این رخدادها پرداخت که اجرای چنین پروژه‌هایی در آینده به‌شدت احساس می‌شود.

منابع

- آرنت، هانا. (۱۴۰۰). *بحران‌های جمهوری*. ترجمه علی معظمی. چ ۳. تهران: انتشارات فرهنگ جاوید.
- افریت، اندرو. (۱۳۸۹). *نگرش‌ها در جامعه‌شناسی سیاسی*. ترجمه رحیم ابوالحسنی. تهران: انتشارات میزان.
- اکبری، سعید، حاجی ده‌آبادی، محمدعلی و صالحی، محمدخلیل. (۱۴۰۳). *رویکرد سیاست کیفری ایران در مواجهه با اعتراضات اجتماعی ایران*. فصلنامه علمی پژوهشی حقوق کیفری، ۱۲(۴۶)، ۱۳۹-۱۸۲.
- انوری، حسن. (۱۳۸۷). *فرهنگ سخن*. چ ۴. تهران: انتشارات سخن.
- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۴). *مجموعه رویه‌های بین‌المللی پیشگیری از جرم*. تهران: انتشارات میزان.
- الهی، محسن. (۱۴۰۰). *ضوابط و الزامات فقهی مطالبه‌گری از دولت اسلامی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. قم: دانشگاه باقرالعلوم(ع).

ایودورماگن، ژان و موشار، دانیل. (۱۳۸۹). مبانی جامعه‌شناسی سیاسی. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: انتشارات آگه.

باقری چوکامی، سیامک و عابدینی، فرامرز. (۱۳۹۷). تهدیدشناسی بر محور نشان‌واره‌های معارض ارزش‌های مرجع. فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، ۷(۲۶)، ۸۷-۱۱۸.

پیری، حیدر. (۱۳۹۴). فراز و فرود حاکمیت در مقابله با شورش‌ها و ناآرامی‌های داخلی در پرتو حقوق بین‌الملل. مجله حقوقی دادگستری، ۷۹(۹۲)، ۵۳-۷۸.

راسخی، افشین، ساوه درودی، مصطفی و قلی‌زاده شمس، رضا. (۱۴۰۱). تحلیل جامعه‌شناختی و امنیت‌شناختی ناآرامی‌های محیط آینده مبتنی بر بایسته‌های هشداردهی مطلوب. فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، ۱۱(۴۱)، ۶۷-۹۸.

رالز، جان. (۱۳۸۴). از نظریه عدالت تا لیبرالیسم سیاسی. ترجمه احمد واعظی. ج ۱. قم: انتشارات بوستان کتاب.

سیدجعفری، امیر. (۱۴۰۰). مطالبه‌گری پیشرو در راستای تمدن‌سازی اسلامی. قم: انتشارات نشر معارف.

گاندی، مهاتما. (۱۳۵۶). همه مردم برادرند. ترجمه محمود تفضلی. تهران: انتشارات امیرکبیر.

گسن، رمون. (۱۳۹۹). جرم‌شناسی خیزش‌های اجتماعی (دریاره خیزش‌های اجتماعی خنثون‌آمیز حومه‌های حساس شهرهای فرانسه). ترجمه شهرام ابراهیمی. تهران: انتشارات میزان.

مطهری بیدگلی، محسن. (۱۳۸۸). نقش عدالت اجتماعی در پیشگیری از جرم. قم: انتشارات نورالسجاد.

مک‌آیور، روبرت. (۱۳۵۴). جامعه و حکومت. ترجمه ابراهیم علی‌کنی. تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین. (۱۳۸۷). جزوه مختصر جرم‌شناسی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

ندری، غلامرضا و بخشایش، احمد. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر امنیت اجتماعی ج.ا.ایران با رویکرد سیاست‌گذاری. فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، ۷(۲۵)، ۱۲۵-۱۵۴.

ورعی، جواد. (۱۳۹۴). بررسی فرمانبرداری و نافرمانی مدنی. ج ۱. تهران: انتشارات سمت.

Bencsik, Anna. (2018). The non-financial costs of violent public disturbances: emotional responses to the 2011 riots in England (Version 1). University of Sussex. <https://hdl.handle.net/10779/uos.23458592.v1>, pp 1- 17

Ince, Anthony, Borén, Thomas, Lindell, Ilda, (2023), After riots: Toward a research agenda on the long-term effects of urban unrest, JOURNAL OF URBAN AFFAIRS, 45(1), pp 84-101

Liu, Jenny, Modrek, Sepideh, Sieverding, Maia, (2019), The Effects of Political Protests on Youth Human Capital and Well-being in Egypt, Journal Social Science & Medicine, pp 1- 35

Piccolino, Giulia, (2023), The Resolution of Civil Wars: Changing International Norms of Peace-Making and the Academic Consensus, Journal CIVIL WARS, 25(2-3), pp 290- 316

Thörn, Håkan, Mayer, Margit, Thörn, Catharina, (2016), Re-Thinking Urban Social Movements, 'Riots' and Uprisings: An Introduction, London, published by Springer Nature, More information about this series at: <http://www.springer.com/series/14630>

Ullrich, Peter, (2020), "NORMAL CITIZENS" VERSUS "ROWDIES: Police categorisations of protesters in Germany, Journal SOCIOLOGIA, PROBLEMAS E PRÁTICAS, no 92, pp. 9-36. DOI:10.7458/SPP20209214197

Social and legal consequences of demanding in street unrest; examining the role of third parties

Fatemeh Bakhtiari,¹ Adel Sarikhani:^{2*}

Received: 09/04/2024

Accepted: 15/06/2024

Abstract

Protests and street movements have occurred widely in Iran in the last few years, which have been accompanied by various social and legal reasons and consequences for the third party; Showing the positive and negative aspects of these consequences demonstrates the necessity and importance of the present article. The purpose of the present article is to correctly evaluate the various aspects of demand and provide strategies and solutions to prevent and avert the recurrence of these social incidents and to state their consequences for third parties. This research, using a descriptive-analytical method and a thorough review of sources, shows that one of the important reasons for the occurrence of street tensions is the turning away from the institution of neighborhood police and the turning towards an aggressive police system, without correctly identifying the mechanism for preventing movements. This is what leads to the choice of a strategy of conflict with the protesters. The results indicate that the negative consequences of demanding at the individual level have created a heavy atmosphere after the unrest, which calls third parties to court with any comment in this regard, which undermines the psychological security of society. Regarding damages caused to third parties, if the perpetrators are identified, compensation will be paid by them themselves, and if not identified, by the treasury. Also, given the existence of a reality called post-memory, the minds of the next generation will be influenced by previous generations regarding these events. In order to prevent the recurrence of urban unrest, planning group sports and social programs with a community approach for citizens can strengthen patience in the face of challenges and promote a culture of tolerance. In this regard, by conducting future research on how to manage the risk of protests and social unrest, we can gain a proper understanding and knowledge of the conditions under which they occur, and take control and management of future incidents.

Keywords: Demanding, street unrest, third party, neighborhood police, post-memory.

1. PhD student in Criminal Law and Criminology, University of Qom, Qom, Iran

2. Full Professor and Faculty Member, Department of Criminal Law and Criminology, University of Qom, Qom, Iran (Corresponding author), Email: Adelsari@yahoo.com